



شهید کشور دوست



سرمقاله

۵- علم و فناوری، در نهایت، ابزار تثبیت این هویت نیستند، یک حقیقتند. هر کسی طرف دار اسلام شد، هر کسی سرباز اسلام شد، از هر ارزشی - از جمله ارزش میهن و وطن - به طور طبیعی دفاع میکند. ۱۴۰۷-۰۵

نه تنها یک اثر ادبی، بلکه یک دایرة المعارف ملی است که ارزش های انسانی، اجتماعی و فرهنگی ایران را به تصویر می کشد؛ روایتی که نشان می دهد ریشه های ایران در امتداد ارزش ها معنا پیدا می کند.

۳- میراث باستانی، در این منظومه، نه یک نقطه تعارض، بلکه منبع اعتماد به نفس تاریخی است؛ چنان که در بازدید آذر ۱۳۶۷ از تخت جمشید، آن را «گنجینه ای که می توان در آن تاریخ ایران و ایرانی را مشاهده کرد» توصیف می کنند و هم زمان تأکید دارند که باید میان هنر و تمدن ایرانی و سلطه گری پادشاهان تفکیک کرد. این نگاه، گذشته را از یک نقطه افتخار صرف و باستان گرایانه، به یک منبع آگاهی تبدیل می کند.

۴- امنیت و تمامیت ارضی ایران هم موضوعی است که در منظومه فکری رهبر شهید، یک واجب شرعی است. در این چارچوب، امام شهید خامنه ای تأکید دارند امنیت باید متکی به درون باشد، نه بیرون، که اثر آن را در حماسه دفاع مقدس سوم دیدیم. حضور مستقیم ایشان در جبهه های جنگ، از نخستین روزهای بمباران فرودگاه مهرآباد در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ترجمه عملی همین نگاه است که ایران را یک واقعیت قابل دفاع می داند، نه صرفاً یک مفهوم تبلیغاتی.

یک پاسخ، به یک باور عمومی تبدیل شد. به همین دلیل، «ایران دوستی» از سطح احساس عبور کرد و به برنامه عمل بدل شد؛ چه در دوران جنگ، چه در دوران صلح.

در این چارچوب، این نظریه وطن دوستی و ایران دوستی در چند ساحت کلیدی عملی بیشتر خود را نشان داد:

۱- زبان فارسی، به عنوان زیرساخت هویت ملی، همواره دغدغه ایشان بود و رهبر شهید، زبان فارسی را رکن اصلی هویت ملی و حامل موارث عظیم بشری می دانستند و آن را ستون فقرات حیات یک ملت و هویت ملت یاد می کردند؛ تا جایی که در این باره می گفتند: «من راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم، زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است.» دیدارهای منظم با شاعران و ادیبان زبان فارسی و نقش جدی ایشان در ترویج کتاب خوانی در دهه های اخیر نیز از ابعاد دیگر خدمات ایشان به زبان فارسی است.

۲- تاریخ و مفاخر ایرانی، در نگاه ایشان، صرفاً روایت گذشته نیست، بلکه بستر خودآگاهی ملی است و تلاش کردند تاریخ را به منبع انسجام تبدیل کنند. در همین چارچوب، درباره فردوسی تصریح می کنند: «فردوسی یک حکیم الهی است» و «شاهنامه»

«ما برای اسلام مبارزه می کنیم یا وطن؟». در سال های اول جنگ تحمیلی، در جلسه پرسش و پاسخ نماینده امام، آیت الله خامنه ای، با رزمندگان، این دوگانه در قالب یک سؤال مطرح شد. آن سال ها، پروژه ای که در دوره طاغوت برای شکاف بین «ایرانیت» و «اسلامیت» شکل گرفته بود، هنوز جلوی چشم خیلی از رزمندگان بود. پاسخ آیت الله شهید خامنه ای صرفاً رفع یک ابهام نبود؛ صورت بندی یک نظریه و منطق دائمی بود. وقتی انقلاب اسلامی ظرف تحقق اسلام در ایران شده، دفاع از یکی بدون دیگری بی معناست؛ «در ارتش توحیدی منطق باید این باشد که ما برای اسلام مبارزه می کنیم یا برای وطن؟ سؤال خوبی است. اما ببینید امروز وطن با کدام اندیشه گره خورده است؟ این دو بر هم منطبق شده اند... امروز ایران عزیز با اندیشه اسلام - که مایه اصلی انقلاب است - یکی شده است. شما اگر بخواهید از انقلاب اسلامی دفاع کنید، نمی توانید از ایران دفاع نکنید.» این گزاره، امداد سطح نظر و شعار در دوره جنگ و دفاع ناماند. در دوره سی و هفت ساله رهبری قائد شهید، از پایان دفاع مقدس تا مسیر بازسازی و پیشرفت، به تدریج در سیاست گذاری، نهادسازی و فرهنگ عمومی، این مفهوم و نگاه به وطن رسوب کرد و از

کفی و حذف نه. آه، فقط آه... این ها آرزو و ایهامی بیش نیست. تورفته ای و مطلع شعرها شدی. آه و دریغ و درد، در همان روز اولی، شعر سپید من، آخرتش سیاه شد. آه.

شعر سپیدم را از تو آغاز می کنم، پدر اتمم. آه و حیف، تو نیستی که زانو بزنم و روبه رویت بنشینم، وجودم را در کالبد شعر بریزم و تو پروردگار شعرم شوی، به آن روح بدمی، آفرین بگویی و احسنت نثار کنی، نقدش کنی و نقض نه، حضمش



اعتراف استیضاح، مطالبه اکثریت آمریکایی ها

آمار و ارقام منتشر شده در یک نظرسنجی جدید، بیانگر شکاف عمیق سیاسی و نارضایتی فزاینده از عملکرد دولت «Donald Trump»، «التهاپ در فضای سیاسی این کشور در آستانه انتخابات میان دوره ای ۲۰۲۶ است. بر اساس این نظرسنجی، ۵۵ درصد از پاسخ دهندگان موافق رأی به استیضاح ترامپ هستند. در مقابل، ۳۷ درصد با این طرح مخالفت کرده و ۸ درصد نیز همچنان مردد هستند. جی. الیوت موریس، کارشناس نظرسنجی، این یافته ها را در تاریخ سیاسی معاصر آمریکا کم سابقه خواند و تصریح کرد که شکاف ۱۸ درصدی میان موافقان و مخالفان، سطحی از نارضایتی عمومی را نشان می دهد که تنها با دوران رسوایی واترگیت در سال ۱۹۷۴ و ماه های پایانی ریاست جمهوری Richard Nixon قابل مقایسه است. درخواست های فزاینده برای استیضاح دونالد ترامپ، بازتاب یک نارضایتی عمیق از سبک حکمرانی و تصمیم سازی های پرهزینه ای است که زندگی روزمره آمریکایی ها را تحت فشار قرار داده است. بخشی مهمی از این نارضایتی به ماجراجویی های سیاست خارجی بازمی گردد؛ جایی که ورود به تنش های پرهزینه، به ویژه در قبال ایران، نه تنها دستاورد ملموسی نداشته، بلکه به افزایش بهای انرژی، بی ثباتی بازارها و تشدید نگرانی های اقتصادی دامن زده است.

فرزندشان به این حرم آمده بودند؛ سفری که حالا هر گوشه اش برایشان یادآور خنده ها، دیدن ها و بازیگوشی های کودکانه ماکان در صحن و سرای امام رضا علیه السلام است. خاطرات آن زیارت، امروز در ذهن پدر و مادر زنده شد، اما این بار، جای خالی ماکان، سنگینی بیشتری بر دلشان گذاشته بود.

با این حال، این سفر چندان هم بدون حضور ماکان نبود. تنها یادگار باقی مانده از پیکر این کودک شهید، در دستان پدر، همراه آن ها به حرم آمده بود؛ نشانه ای کوچک، اما پرمعنا از حضوری بزرگ. گویی ماکان، با همان کفش کوچک، بار دیگر در کنار پدر و مادرش قدم به حرم امام رثوف گذاشته بود. حالا، انگار هنوز صدایش در گوش ها می پیچد: «ماکان نصیری، انشایت را بخوان.» «چشم، خانم... مادرم توی کلاس ماروی نیمکت ها نشست. مادر هم کلاسی های من هم روی نیمکت ها نشستند. آن ها می اسم ما را صدا می زدند. مردم با مادرم گریه می کردند. آن ها مادرم را بغل کردند. مادرم خوشحال شد.»

روایت آمدند پابوس، این بار بی ماکان



سرشار از صبر، به زیارت آمدند تا درد بی پایان فقدان فرزندشان را با امام مهربانی ها در میان بگذارند و حقانیت خون فرزندشان را فریاد بزنند؛ کودکی که تنها «مفقودالثر» آن جنایت است. این سفر، نخستین زیارت آن ها بدون حضور ماکان بود. آخرین بار، خردادماه سال گذشته، همراه با پدر و مادر شهید ماکان نصیری، کودک هفت ساله ای که در جریان حمله آمریکا به مدرسه شجره طیبه میناب به شهادت رسید، دادخواهی خود را به محضر امام رضا علیه السلام بردند؛ جایی که برای دل های شکسته، پناهی جز آن نیست. آقا سیروس وآسیه خانم، با قلبی آکنده از اندوه و در عین حال